خاطرات احمد عربانی از سال‌های خوب طنز

گل‌آقا چگونه تندترین انتقادها را منتشر کرد؟

مجله «گل‌آقا» سال‌ها با پیوند دادن عنصر سیاست و هنر، اقدام به منتشر کردن مطالبی می‌کرد که به قولی می‌توانست آستانه تحمل مسئولان را بالا ببرد. این مجله اما با تمام موفقیت‌هایی که در فضای رسانه‌ای کشور رقم زد به دلایلی که هیچ گاه مستقیم به آن اشاره نشد، دو دهه قبل برای همیشه با مخاطبان خود خداحافظی کرد.

به گزارش ایسنا، یکم آبان‌ماه سال ۱۳۶۹ بود که اولین نسخه از هفته نامه گل‌آقا به همت کیومرث صابری فومنی به قیمت ۱۵ تومان منتشر شد. نسخه‌ای که با تعداد بالای فروشش تجدید چاپ و دوباره روانه بازار شد. ۱۲ سال بعد وقتی که گل‌آقا باید سالگرد تاسیس خود را جشن می‌گرفت، در دوم آبان‌ماه سال ۱۳۸۱ همزمان با چاپ پانصد و چهل و هشتمین شماره خود برای همیشه از مخاطبان خداحافظی کرد. آنچه اما در این میان توجه را به خود جلب می‌کند، نامشخص بودن دلیل پایان کار این مجله است.

پوپک صابری فومنی، صاحب امتیاز این مجله در آخرین شماره آن خطاب به مخاطبان نوشته بود: «از شما خوانندگان وفادار و مهربان گل‌آقا می‌خواهم همین را از من بپذیرید که دیگر نمی‌توانم. خسته‌ام. از دلایل خستگی چیزی نمی‌گویم. از من بپذیرید که...»

در حالی که دست‌اندرکاران گل‌آقا وعده داده بودند که در سال ۱۳۸۷ به نحوی دیگر نسبت به انتشار یک نشریه از مجموعه گل‌آقا اقدام خواهند کرد اما علی‌رغم پیگیری‌های پوپک صابری، فرزند کیومرث صابری این تلاش‌ها راه به جایی نبرد.

ایسنا با فرا رسیدن سالگرد پایان فعالیت گل‌آقا در مصاحبه با احمد عربانی تلاش کرده تا گره‌های این خداحافظی پر رمز و راز را باز کند.

احمد عربانی یکی از کاریکاتوریست‌هایی است که سابقه همکاری با مجله گل‌آقا را در کارنامه خود دارد. او در گفت‌وگویی با ایسنا درباره تعطیلی این مجله می‌گوید: «انتخابات برگزار شد، خاتمی که رئیس‌جمهور شد، برخی روزنامه‌ها درآمدند که هر چه نگفتنی بود را گفتند. روزنامه‌ها هر مطلب و انتقادی که بود منتشر می‌کردند. گل‌آقا یا باید از آنها جلو می‌افتاد یا همان موقع می‌بست. چون آقای صابری با هر دو جناح رفیق بود. برای مثال ماه رمضان‌ها سفره افطاری می‌انداخت و از هر دو جناح دعوت می‌کرد. مثلا آقایان عبدالله نوری و جنتی را همزمان دعوت می‌کرد. زمانی حتی از من خواستند که با روزنامه‌ها همکاری کنم و حسی به من می‌گفت که این یک موج است و در ادامه یکی یکی بسته شدند. این زمینه شد و گل‌آقا دیگر افت کرد. گل‌آقا پنج، شش سال مجله منتشر کرد اما نهایتاً افت کرد. تیراژ پایین بود و گل‌آقا دیگر گل‌آقای زمان آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی نبود.»

عربانی اضافه می‌کند: «گل‌آقا دوره آقای رفسنجانی که فضا خاکستری بود انتقاد می‌کرد. در ادامه ابراز انتقاد را روزنامه‌ها به دست گرفتند و گل‌آقا دیگر افت کرد. گل‌آقا بیشتر از آن نمی‌خواست ابهت و خاطره‌ای که برای مردم ایجاد کرده بود، از دست بدهد و برای همین هم خودش تصمیم به تعطیلی گرفت.»

این هنرمند در پاسخ به این پرسش که چرا مجله دیگری نتوانست مانند گل‌آقا جای خود را باز کند و با آمیختن هنر و سیاست اقدام به تولید محتوا کند؟ می‌گوید: «برای اینکه شخصی مانند آقای صابری پیدا نشد. آقای صابری مشاور هنری آقای رجایی و مشاور هنری رئیس‌جمهور وقت بود. زمانی که آقای رجایی شهید شد، آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان جانشین او آمدند و در ادامه آقای صابری با ایشان هم صمیمی‌شد؛ کما اینکه مجله را هر از چند گاهی پیش ایشان می‌برد و نکاتی را برای ما در جلسه درباره نظرات آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌کرد.

بعد آقای صابری از ارشاد بیرون آمد و مجله درآورد. اول در روزنامه اطلاعات دو کلمه حرف حساب را نوشت و بعد هم سال ۱۳۶۹ همین نشریه را هفتگی منتشر کرد.»

این هنرمند خاطرنشان می‌کند: «بعد از آقای صابری، آدمی که همه را بشناسد و با همه نشست و برخاست داشته باشد و حکومت هم به او اطمینان کند، پیدا نشد. ما تندترین انتقادها را چه در قالب متن و چه در قالب کاریکاتور منتشر می‌کردیم و وقتی منتشر می‌شد، بمب منفجر می‌شد. دهه هفتاد کسی باورش نمی‌شد چنین مطالبی در ایران منتشر می‌شود. چنین آدمی به این صورت را نداریم که اولا باسواد باشد، ادبیات را خوب بداند و نویسنده باشد و نظام هم به او اطمینان داشته باشد. خب این آدم پیدا نشده و لاجرم مجله ای هم مانند گل‌آقا دیگر منتشر نشد.»

او همچنین درباره سرنوشت گل‌آقا اگر امروز منتشر می‌شد با ذکر خاطره‌ای می‌گوید: الان آدم نمی‌داند با چه کسانی طرف است.

برای مثال می‌بینید که وزیر ارشاد با شما خوب است اما از آن طرف فلان شخصیت حکم می‌دهد که این چیست و آن چیست. کما اینکه من سعدی را آن زمان کشیده بودم. تنش عبا انداخته بودم و قیافه‌اش را امروزی‌تر کرده بودم که شبیه به روحانیون شده بود.

آقای صابری تاییدیه گرفته بود و مجله به چاپ چهارم رسید. بعدها به آقای صابری گفته بودند که از حوزه علمیه نامه دادند و از این راه دارند چهره روحانیت را لکه‌دار می‌کنند. خط قرمز پررنگ ما در کاریکاتور لباس روحانیت است و این خط قرمز ما هم بود. با این حال آن نقد شده بود. گویا در پاسخ به نقد گفته بودند سعدی که نمی‌تواند پاپیون بزند و پیپ بکشد!»

این هنرمند در آخر خاطرنشان می‌کند: «الان یک رستم باید با نگاه‌های مختلف دربیافتد. تا حالا که مانند آقای صابری نداشتیم اگر گل‌آقا الان هم منتشر می‌شد، با این همه سوژه و مساله، نمی‌توانست به همه مسائل بپردازد. من مطمئنم که گل‌آقا الان نمی‌توانست حتی با ارتباطات آقای صابری منتشر شود.»

به انگیزه سالروز تولد محمود استادمحمد

خاطرات سپانلو از «پسر خدیجه خانوم»

این بچه بدجوری چسبیده بود به خدیجه خانوم، انگاری هیچ دلش نمی‌خواست به این دنیا قدم بگذارد.

می‌خواست تا جایی که ممکن است در زهدان مادرش که مکان امن و راحتی بود، جا خوش کند. لابد خودش هم می‌دانست روزگار چندان با او خوب تا نخواهد کرد.

به گزارش ایسنا،۷۲ سال پیش، در چنین روزی، سوم آبان ماه، در یکی از محله‌های قدیمی تهران محمود استاد محمد، پسر خدیجه خانوم به دنیا آمد، همو که بعدها یکی از طلایه‌داران تئاتر اجتماعی کشورمان شد.

مادرش خوشحال بود که در ساعت سعد و عید قربان درد زایمان به جانش افتاده، فکر می‌کرد برای کودکش خوش یمن است و حال آنکه فرزند او خیلی زود از کودکی گذشت و هیچ نفهمید جوانی‌اش را در کدام یک از کوچه‌های پر پیچ و خم میدان «اعدام» گم کرد.

به نسلی تعلق داشت که خیلی زود دست به کار می‌شدند. انگار که می‌دانستند زندگی فرصت چندانی به آنان نمی‌دهد. هنوز از نوجوانی به جوانی نرسیده بود که چند نمایشنامه نوشته بود و رویای تئاتر بدجوری شب و روزش را یکی کرده بود.

خاطره‌ای داشت از آن یک ماهی که پول ثبت نام مدرسه را خرج کرده بود و به جای مدرسه رفتن در خیابان‌ها پرسه می‌زد: «در همان پرسه‌ها، یک روز داشتم از میدان «فوزیه» (امام حسین (ع)،) عبور می‌کردم، آن وقت‌ها نوار و کاست و سی دی که نبود، صفحه فروش‌ها موسیقی را از بلندگوهای مغازه‌ها پخش می‌کردند از یک بلندگو صدای ناله خواننده لاله‌زاری علی نظری می‌آمد که در سوگ مادر نوحه می‌خواند و از بلندگوی مغازه دیگر خبر فوت ناگهانی غلامرضا تختی داشت از رادیو پخش می‌شد و من مانده بودم در آن پرسه‌ها و آن پیشانی به دیوار کوبیدن‌های جوانی، در روزگار خودم بین دو صدای بلندگو آنکه نوحه مادر می‌خواند، اینکه فرزند مام وطن را از دست داده است. در آن لحظات از آن جوانک در ازدحام میدان فوزیه در ازدحام ترەبار فروشان و دستفروشان و قاچاق فروشان زمان می‌خواهی چه خلق شود؟! می‌خواهی چه کسی برچه موجودیتی برای آن جامعه تربیت شود، بدنه تئاتر ما با این دنیای یک ماهه من اصلا غریبه نبود.»

جوانکی بود که ۵۰ سال پیش به دفتر مجله فردوسی رفت تا محمد علی سپانلو را برای تماشای نمایشش دعوت کند.

سپانلو از خاطره اولین آشنایی خود با او چنین گفته بود: «همراه با دیگر چهره‌های ادبی در مجله‌ی «فردوسی» نشسته بودیم که جوانی گمنام آمد و دعوت‌مان کرد تا نمایشش را ببینیم.

رفتیم و نمایش نامه «آسید کاظم» را دیدیم که بسیار شگفت‌انگیز بود و بدجوری ما را در سالن کوچک «خانه نمایش» نگه داشت. «سید کاظم» همه جامعه را یک‌جا جمع کرد و در عین ظاهر سنتی‌اش بسیار مدرن بود، در آنجا بود که تاریخ تئاتر ایران راه دیگری پیدا کرد که با اسماعیل خلج آغاز شد و بعد از او محمود استادمحمد آن را ادامه داد.

من پس از دیدن آن نمایش، در یکی از نشریات آن زمان مقاله‌ای درباره‌اش نوشتم، بعد از چاپ آن مقاله، وزیر فرهنگ مقاله را دید و به همین خاطر، محل اجرای نمایش را از آن اتاق کوچک در میدان فردوسی، به تالار سنگلج منتقل کرد و همین امر باعث رونق کار آن‌ها شد و من نیز از این بابت که مقاله‌ام باعث این کار شد، بسیار خوشحال شدم.»

حالا سال‌ها از آن روزها می‌گذرد، دیگر نه سپانلویی مانده و نه استادمحمدی، هر دو خیلی سال است که در آرامگاه به آرامش رسیده‌اند.

عموم مردم او را با بازی در نقش خر نمایش «شهر قصه» می‌شناختند اما اهل تئاتر و آنان که دستی بر نوشتن دارند، خوب می‌دانند او با نگارش نمایشنامه‌هایی همچون «آسید کاظم»،«شب بیست و یکم»،«خونینان و خوزیان»، «دیوان تئاترال»، « سرای رنج و شکنج»، «قصص‌القصر»، «آنها مامور اعدام خود هستند»، «خونیان و خوزیان»، «سیری محتوم»، «چهل پله تا مرگ»، «عکس یادگاری»، «سپنج رنج و شکنج»، «تهرن» و... نامی فراموش‌نشدنی در تئاتر کشور ماست.

چطور چهره مطرح صدا و سیما سوخت!

مهران مدیری، دُبی، علی کریمی و باقی ماجرا

درحالی‌که مهران مدیری این روزها برای باز گرداندن دستمزد بالایش به صداوسیما از هر طرف تحت فشار توقع‌ها قرار گرفته است، شایعه عجیب درباره او و علی کریمی هم به یکی از داغ‌ترین موضوع‌های فضای مجازی تبدیل شده است؛ شایعه‌ای که آن‌هم البته از هر طرف تکذیب می‌شود. به گزارش ایسنا، چندی پیش مهران مدیری با انتشار پُستی به ناآرامی‌های اخیر کشور واکنش نشان داده، اظهار کرده بود که به پخش هیچ فریمی از خودش از شبکه‌ای تلویزیونی تمایل ندارد. هر چند مدیری پیش از این هم در موقعیت‌هایی خاص با تلویزیون خداحافظی موقتی داشته و بعد به قاب تلویزیون بازگشته است اما اظهارات اخیر پیمان جبلی ـ رئیس صدا و سیما ـ درباره مجریانی که مانند مدیری در پی وقایع اخیر اعلام کردند در تلویزیون فعالیت نخواهند داشت و اشاره تلویحی او به برنامه «دورهمی»، نشان می‌دهد حداقل تا مدتی شاهد حضور مهران مدیری در قاب تلویزیون نخواهیم بود.

اعلام دستمزد نجومی از صدا و سیما

موضع‌گیری اولیه مهران مدیری با واکنش‌های تندی از سوی اهالی صدا و سیما همراه شد؛ تا جایی که مدیرکل دفتر موسیقی صدا و سیما با انتشار مطلبی در توییتر، دستمزد بالا و آخرین دریافتی مهران مدیری را برای برنامه دورهمی پس از خداحافظی این مجری از تلویزیون در پی مرگ مهسا امینی، افشا کرد.

علیرضا قزوه نوشت: «آخرین دریافتی آقای بررە یک روز قبل نطق تاریخی‌اش، ۳۰ میلیارد تومان از صدا و سیما بوده؛ بعضی‌ها از روی شکم‌سیری چه نطق‌هایی می‌کنند!» چندی پیش تهیه‌کننده دورهمی نیز در مصاحبه با رسانه‌ها اعلام کرده بود، مدیری دستمزدش را بابت تولید سری پنجم برنامه دورهمی به طور کامل دریافت کرده است و مطالبه‌ای از تهیه‌کننده یا سازمان صداوسیما برای این فصل ندارد.

موضع جدید مدیری

دورهمی در طول این مدت پخش نشد اما بعد از گذشت چند روز از اظهارات مهران مدیری، وی با انتشار ویدیویی در فضای مجازی عنوان کرد که مالکیت هر اثری که در صداوسیما ساخته برای خود تلویزیون است و درباره پخش یا پخش نشدنشان هم خود این رسانه تصمیم می‌گیرد. او همچنین با ابراز امیدواری برای در پیش بودن روزهای روشن و حال بهتر برای مردم ایران، بر حفظ تمامیت ارضی کشور تأکید کرده بود.

مدیری در تازه‌ترین ویدیویی که از خود منتشر کرده، گفته بود: «هر اثری را که در طول این سال‌ها ساختم، اعم از سریال یا هر نوع کار دیگری، خالق این آثار من هستم اما مالکش من نیستم. مالکیت هر اثری که در تلویزیون ساخته می‌شود، چه توسط من چه دیگران، با سازمان صداوسیماست و تصمیم برای پخش و پخش نشدن هر برنامه‌ای هم بر عهده صداوسیماست».

رویکرد سازمان در قبال ویدیوی جدید

پس از اظهارات اخیر مدیری، پیمان جبلی- رئیس سازمان صدا و سیما - در مواجهه با پرسش خبرنگاران در حاشیه یک نشست، درباره رویکرد سازمان در قبال ویدیوی جدید اظهار کرد: «کار کردن در رسانه ملی چون خدمت به مردم و جامعه است و به دلیل نقش‌های متنوعی که سازمان در سرگرمی و آموزش دارد، کسی که بتواند برای این نقش‌ها کاری کند، باعث افتخار است. اگر کسی بخواهد از این فرصت که برایش فراهم شده است استفاده کند، قدمش روی چشم است و با تمام وجود از او استقبال می‌کنیم. اما اگر کسی قدر این فرصت را نداند یا نخواهد استفاده کند، خوب استعدادهای موجود در جامعه زیاد است. طبیعت کار در رسانه اقتضا می‌کند استعدادهای جدید دایم شناسایی شوند و به آنها عرصه داده شود».

بررسی حقوقی برای باز پس گرفتن دستمزد

حالا انگار دریافت دستمزد مهران مدیری و پخش نشدن دورهمی، به تازگی محل مناقشه‌ای برای باز پس گرفتن دستمزد این مجری و کارگردان شده است. جبلی درباره بحث مطرح شده مبنی بر باز پس گرفتن دستمزد در صورت پخش نشدن ادامه برنامه دورهمی اظهار کرده است: «برنامه‌ای ساخته شده و هزینه شده است. دوستان ما در حوزه حقوقی و دیگر حوزه‌ها در حال بررسی هستند. شرایطی پیش آمد، با موضع‌گیری که شد که باید برای آن تصمیم‌گیری شود. باید درباره ادامه آن تصمیم‌گیری شود. فعلا جمع‌بندی که داشته‌ایم این بود که ادامه برنامه در کندکتور پاییز گذاشته نشود».

و اما شایعه عجیب درباره مهران مدیری و علی کریمی

حواشی این روزهای مدیری به ماجرای نقشه رباش علی کریمی در امارات گره خورده که بنا بر ادعایی که ابتدا در فضای مجازی و سپس در رسانه‌های خارج از کشور منتشر شد، قرار بوده توسط مهران مدیری و با قرار ملاقات حضوری در شهر دُبی انجام شود! این موضوع در ۲۴ ساعت گذشته به یکی از داغ‌ترین موضوع‌های فضای مجازی بدل شد. پس از چند ساعتی اما مشاور و مدیر برنامه‌های علی کریمی با انتشار توییتی اعلام کرد که هیچ تماسی از سوی مهران مدیری با کریمی برقرار نشده بود.

مراسم بزرگداشت صادق بریرانی برگزار شد

هنرمند نقاشی که در ۱۰۰ سالگی دستش نمی‌لرزد

از «صادق بریرانی» عموما به‌عنوان هنرمندی نام برده می‌شود که توانست به ادراک کاملی در حوزه هنرهای سنتی دست پیدا کند و هویت سنتی و ایرانی را در آثار خود حفظ کند. فرهنگستان هنر در بزرگداشتی که برای این هنرمند ترتیب داد، از آثار متاخر او در مجموعه ای به نام «سیمرغ» رونمایی کرد. به گزارش ایسنا، مراسم بزرگداشت «صادق بریرانی» به همراه افتتاح تازه‌ترین آثار او دوشنبه، دوم آبان ماه به همت فرهنگستان هنر و با حضور تعدادی از اهالی فرهنگ و هنر برگزار شد. مهدی حسینی، رئیس گروه هنرهای تجسمی فرهنگستان در ابتدای این مراسم به روی صحنه آمد و به توصیف ویژگی‌های شخصیتی و حرفه‌ای بریرانی پرداخت و گفت: «کار ایشان چندوجهی است. در درجه اول ایشان یک نقاش هستند و یکی از نخبگان گرافیک نوین ایران محسوب می‌شوند. هرکدام از آثار ایشان یکی از نمونه‌های کلاسیک گرافیک معاصر ایرانی است.» او ادامه داد: «ایشان یک ضلع سومی ایجاد کردند و آن مجموعه‌ای است که هیچ‌کس دیگر مثل آن را ایجاد نکرد. او از سیم‌های خشک قلم‌مویی ساخت و با استفاده از اشعار کلاسیک آثاری را روی بوم خلق کرد. آن چیزی که درباره‌ی بریرانی اهمیت دارد این است که چه چیزی مجموعه آثار او را بهم پیوند می‌دهد؟» حسینی در ادامه به سوالی که مطرح کرد، پاسخ داد: «جریان سیال ذهن موردی است که آثار بریرانی را بهم پیوند می‌دهد که نخستین بار توسط ویلیام جیمز ابداع شد. هنرمندی مانند آقای بریرانی شاکله‌ی کارش فرهنگ و هنر ایرانی است و درست همین جاست که اهمیت او و آثارش روشن می‌شود.» رئیس گروه هنرهای تجسمی فرهنگستان هنر با اشاره به ۱۰۰ ساله شدن این هنرمند، گفت: «باوجود اینکه ما در آستانه‌ی ۱۰۰ سالگی استاد بریرانی هستیم، هیچ کاستی در مجموعه سیمرغ او دیده نمی‌شود و ارتباط او با فرهنگ سنتی همچنان برقرار است.» سید راضیه یاسینی، دبیر علمی این بزرگداشت نیز در ادامه طی متنی که از قبل آماده کرده بود، به توصیف ویژگی‌های صادق بریرانی پرداخت و در بخشی از آن اظهار کرد: «صادق بریرانی از جمله هنرمندانی است که همواره هویت دینی و ملی، ویژگی آثارش محسوب می‌شود. بریرانی از آغاز بر آن بود که هنرمند باید آستین بالا بزند و بیم‌ناک نباشد که کارش به نتیجه می‌رسد یا نه.»

او در ادامه اظهار کرد: «بریرانی گفته آنچه در هنر اهمیت دارد، روح هنرمند است. او در پی تقلید سبک هنر غربی نبود و ادراکی قوی از هنرهای سنتی ایرانی داشت.» در ادامه محمدحسین عبدی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران نیز با اشاره به داستان آشنایی‌اش با صادق بریرانی به تشریح آثار این هنرمند پرداخت: «صادق بریرانی در خاطره فرهنگ معاصر درخشید و هنرمندان مدرن برای خلاقیت‌های هنری خود از او استفاده کردند.» او ادامه داد: «آگاهی‌های علمی و عملی در نقاشی و گرافیک توانایی‌هایی به استاد بریرانی داده که توانسته سیر و سلوک کند. استاد بریرانی یکی از هنرمندانی است که به زمینه‌هایی از گرافیک که در ایران رایج نبود، توجه کرد. او یکی از هنرمندانی است که نتایج درخشان هنری به دست آورده است.» این مراسم با سخنرانی چندتن دیگر از اهالی فرهنگ و هنر ادامه پیدا کرد و در ادامه نمایشگاه جدیدترین آثار صادق بریرانی با عنوان «سیمرغ» افتتاح شد. بریرانی در آخرین آثار خود این بار سی مرغ را در سی تابلو با رنگ‌هایی مختلف کار کرده که هر کدام می‌تواند بیانگر یک جلوه از احساس انسانی باشد که اهل سلوک است.

نگاه

نقش هنرمند و عکاس در جامعه

رضا دیده‌بان

ما نمی‌توانیم قواعد تخصصی و اخلاقی هنر را بیاموزیم و در برخی شرایط و موارد، بسته به وضعیت و جبر جامعه از آن استفاده نکنیم.

اساساً یک هنرمند ذات پرسشگر دارد، مانند یک کارآگاه تا بتواند به نتیجه درست برسد. در خلق یک اثر، هنرمند بدون روحیه پرسشگرانه نمی‌تواند به اندیشه برسد و آن را به اثر تبدیل کند.

به‌طور مشخص یک عکاس علاوه بر به‌کارگیری مهارت فنی خود در عکاسی باید بسته به موضوع در وقایع اجتماعی نسبت به ثبت عکس اقدام کند.

ازآنجاکه عکاسی از معدود هنرهایی است که در ژانرهای متعدد دسته‌بندی می‌شود، وظیفه و نقش هنرمند را با توجه به ژانر مربوطه حساس‌تر تعریف می‌کند.

مثلاً یک عکاس اجتماعی نسبت به ثبت وقایع یا شرایط جامعه و زندگی موضوعی را انتخاب و با تهیه عکس‌های متعدد اقدام به مستندسازی کرده و علاوه بر آن صاحب‌نظران اجتماعی و جامعه‌شناسی را برای بررسی و طرح راهکار بهینه برای آن جامعه را یاری می‌کند. یا یک عکاس خبری با ثبت رخدادهای روزمره در جامعه می‌تواند علاوه بر روشنگری اجتماعی صاحبان امر را نسبت به آنچه در جامعه وجود دارد بدون هیچ تحریفی آگاه کند. البته که در «عکاسی خبری» همیشه شیطنت‌هایی وجود دارند. چراکه عکاس خبری بسته به هدف و سلیقه خود یا سازمان مربوطه آن‌طور که لازم بداند ثبت وقایع خواهند کرد که قالبا با این روش با انتخاب زاویه و لحظه‌ی خاص موردنظر خود در عکس ذهن مخاطب را رهبری می‌کنند. حال‌آنکه اگر به‌صورت روایتی بی‌طرف به ثبت عکس خبری بپردازند، قطعاً قضاوت بی‌هیچ تأثیر مغرضانه‌ای با بینندگان و صاحبان اندیشه با دیدن آن عکس خواهد بود. هنرمند علاوه بر خصوصیات پرسشگر خود برای رسیدن به ابراز اندیشه کماکان به‌عنوان یک روایتگر منصف می‌بایست در خلق اثر خود از هرگونه تبعیض و گرایش سفارشی پرهیز کند.چراکه وقتی از این مهم دوری نکند، او دیگر یک هنرمند نیست، بلکه از ابزار هنر برای تجارت و سیاست بهره می‌برد و دیگر نمی‌توان آن را هنرمند یا آثار او را اثر هنری خواند.

منبع: خبرآنلاین

اخبارکوتاه

بزرگترین مارادونا نقاشی شد

دیوارنگاره بزرگی از مارادونا اسطوره فوتبال آرژانتین و جهان بر روی دیواری در شهر بوینوس آیرس نقش بست. به گزارش ایسنا به نقل از رویترز، یک هنرمند آرژانتینی نقاشی دیواری غول‌پیکری از دیگو مارادونا، اسطوره فقید فوتبال در بوینوس آیرس را به مناسبت جشن تولد ۶۲ سالگی برنده جام جهانی، کشیده است. «مارتین رون»، دیوار ۱۶۰۰ متر مربعی (۱۷۰۰۰ فوت مربع) را در قلب شهر با تصویری از مارادونا بر اساس عکسی از او که تیمش را در فینال جام جهانی مقابل آلمان در سال ۱۹۹۰ تشویق می‌کرد، پر کرده است. این دیوارنگار ۴۱ ساله، در این زمینه گفت: «از قبل می‌دانیم که او بهترین بازیکن جهان بود، اما او به عنوان یک فرد چه کسی بود؟ او یک جنگجو بود، او در برابر ناملایمات قرار گرفت، حتی آسیب دید، او با هر چیزی روبه‌رو می‌شد.» مارادونا در اواخر سال ۲۰۲۰ در سن ۶۰ سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت، که باعث شد یک دوره سوگواری سراسری برای ستاره پرحاشیه‌ای که میلیون‌ها نفر او را مورد احترام قرار می‌دادند آغاز شود و طرفدرنش به او لقب «D10S» (به معنای خدا به زبان اسپانیایی) دادند. این نقاشی دیواری در مجموع ۲۵ روز کاری برای تیمی متشکل از هفت هنرمند، کار به همراه داشته و از ۸۰۰ لیتر (۲۰۰ گالن) رنگ برای خلق آن استفاده شده است که به گفته «مارتین رون» بزرگترین نقاشی دیواری مارادونا تا به امروز است که با حدود ۴۵ متر (۱۴۸ فوت)، هم‌ارتفاعِ مجسمه آزادی نیویورک است. برای نشان دادن دو قهرمانی آرژانتین در جام جهانی ۱۹۷۸ و ۱۹۸۶ و یک ستاره هم به امید تکرار این افتخار در جام جهانی امسال در قطر روی این نقاشی بزرگ دیواری نقش بسته است.

مرگ یک بازیگر در سانحه رانندگی

«لسلی جردن» هنرپیشه آمریکایی در جریان یک سانحه رانندگی در لس‌آنجلس در سن ۶۷ سالگی درگذشت. به گزارش ایسنا به نقل از لس‌آنجلس تایمز، منابع خبری اعلام کرده‌اند که این بازیگر محبوب قبل از برخورد خودرویش به کنار ساختمانی درهالیوود، احتمالا دچار حالت اورژانسی پزشکی بوده است. «لسلی جردن» که به خاطر ایفای نقش در فیلم «داستان ترسناک آمریکایی» و همچنین نقش‌آفرینی برنده جایزه امی در سریال «ویل و گریس »شناخته می‌شود، در ۶۵ سالگی هم زمان با همه‌گیری ویروس کرونا با انتشار ویدیوهای روزانه در اینستاگرام، بار دیگر به شهرت رسید بود. از دیگر آثار این بازیگر کهنه‌کار نیز می‌توان به «بچه‌های باحال»، «کمک»، «ریبا»، «مانک»، «بابای آمریکایی!»، «بوستون لیگال»، «بتی بی‌ریخته»، «نخل‌های پنهان»، «کدبانوهای وامانده»، «داستان زندگی هوپ»، «زندگی مخفی نوجوان آمریکایی»، «کت صدام کن» و بازسازی سریال «میراندا» اشاره کرد که هم‌اکنون فصل سوم آن از شبکه فاکس در حال پخش است. او برای بازی در نمایش «برادر پسر» در نقش «اِرل» مورد تحسین منتقدان قرار گرفت که بعدها در سال ۲۰۰۰ میلادی نیز یک فیلم اقتباسی و کمدی رومانتیک با همین نام ساخته شد.

«واکین فینیکس» در فیلم جدید کارگردان اسکاری

«واکین فینیکس» و «رونی مارا» دو بازیگر مطرح‌هالیوودی به پروژه جدید سینمایی «جزیره» ساخته کارگردان لهستانی برنده اسکار «پاول پالیکوفسکی» پیوستند. به گزارش ایسنا به نقل از اسکرین، این پروژه که بر اساس یک داستان واقعی ساخته می‌شود، داستان یک زوج آمریکایی جذاب در دهه ۱۹۳۰ را دنبال می‌کند که به تمدن پشت می‌کنند تا بهشت شخصی خود را در جزیره ای متروک بسازند. با این حال، رویای آنها طبق برنامه پیش نمی‌رود، وقتی یک میلیونر که با قایق تفریحی خود از آنجا عبور می‌کند، ناخواسته آنها را به یک موضوع رسانه‌ای پرطرفدار تبدیل می‌کند و یک کنتس اروپایی خودخوانده نیز با برنامه‌هایی برای تصاحب جزیره و ساختن یک مکان لوکس وارد می‌شود. «واکین فینیکس» و «رونی مارا» زوج‌هالیوودی قرار است در این فیلم سینمایی در نقش‌های اصلی مقابل دوربین «پالیکوفسکی» بروند. فیلم «آیدا» ساخته «پاول پاولیکوفسکی» در سال ۲۰۱۵ برنده جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی (غیرانگلیسی زبان) شد و این فیلمساز در سال ۲۰۱۹ نیز برای آخرین فیلم سینمایی خود «جنگ سرد» نامزد شاخه کارگردانی آکادمی شد. «واکین فینیکس» در سال ۲۰۲۰ برای نقش‌آفرینی درخشان در فیلم «جوکر» توانست اسکار بازیگر نقش اول را دریافت کند و در ادامه در نقش اصلی در فیلم «ناپلئون» ساخته «ریدلی اسکات» بازی کرد که هنوز رونمایی نشده است. «رونی مارا» اخیرا برای بازی در فیلم «زنان صحبت می‌کنند» ساخته«سارا پولی» نقدهای بسیار مثبتی دریافت کرده است و تاکنون دو بار برای فیلم‌های «کارول» و «دختری با خالکوبی اژدها» نامزد جایزه اسکار بازیگری شده است. «گلن باسنر»، مدیرعامل کمپانی «FilmNation» که پخش این فیلم در آمریکا را برعهده دارد،درباره این فیلم گفت: «پاول پاولیکوفسکی یکی از بزرگترین فیلمسازان کنونی جهان است با روایت داستانی از حسادت، خیانت و قتل، دقیقاً همان فیلمی را ساخته که همه ما برای برگرداندن تماشاگران به سینما به آن نیاز داریم.»